

تضمین کیفری آزادی مذهبی و رابطه دین و حکومت در نظام حقوقی ایتالیا

غلامرضا عباسیان کوجه سلطان^۱؛ علیرضا جلالی^۲

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹

چکیده

نحوه اجرای اصولی چون آزادی عقیده و آزادی دینی و درنهایت روش‌های تضمین کیفری آزادی مذهبی شهروندان توسط نظام‌های حقوقی موضوعاتی هستند، که اثبات‌کننده کیفیت رابطه دین و حکومت در کشورهای مختلف می‌باشند. خصوصاً نظام‌های اروپایی که گذر از وابستگی به یک دین رسمی به سامانه‌ای که در آن مذهب از سیاست و حقوق منفک است را تجربه کردند و الگوهای مناسبی برای کنکاش پیرامون تضمین کیفری آزادی دینی و به‌طور کلی رابطه دین و حکومت به حساب می‌آیند. از این رو مطالعه نظام ایتالیا در باب تضمین کیفری آزادی مذهبی و رابطه دین و حکومت می‌تواند موضوع بااهمیت و قابل استنادی باشد. پژوهش حاضر از نظر گردآوری اطلاعات با روش اسنادی و مطالعه قوانین و رویه موجود در نظام حقوقی ایتالیا انجام پذیرفته و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی تجزیه و تحلیل شده است. در این میان، نتایج پژوهش حاکی از آن است که هرچه حکومت وابسته‌تر به یک مکتب دینی خاص باشد، میزان تضمین کیفری آزادی دینی پیروان آن مکتب افزایش پیدا می‌کند؛ و هرچه حکومت بی‌طرف‌تر و غیر متعهدتر نسبت به ادیان موجود در جامعه باشد، امکان تضمین کیفری برابر تمام پیروان ادیان به وجود می‌آید. علاوه بر این در سیستمی که در اسناد بالادستی آن (مانند قانون اساسی) دین رسمی یا برتر ترسیم شده باشد، امکان صدور قوانین جزایی تبعیض‌آمیز برای اقلیت‌ها پیرامون موضوع تضمین کیفری آزادی مذهبی افزایش می‌یابد. هرچند بنا به تکرر فرهنگ‌ها و انواع حکومت‌های موجود در سطح جهان این دیدگاه همیشه قابل قبول نیست و تجربه بشری استثنائات بسیاری در این زمینه شناخته است.

واژگان کلیدی: تضمین کیفری، آزادی مذهبی، قانون جزا، دادگاه قانون اساسی؛

^۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه دامغان؛ gholamreza.abbasiyan72@gmail.com

^۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان؛ a.jalali@du.ac.ir

مقدمه

آزادی یکی از آرمان‌ها و اصول بنیادین انسان است و تجلی آن می‌تواند امور مختلف اجتماعی و فردی زندگی بشر را ارتقا ببخشد. یکی از ابعاد بروز آزادی، امکان ابراز عقیده بدون جبر و اکراه است که نتیجه آن بدون شک رشد جامعه است (Trager, Dickerson, 1999: 13). آزادی به‌عنوان معادل خودمختاری تفسیر می‌شود (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۵)؛ لذا با چنین تحلیلی می‌توان گفت که انسان آزاد، فردی است که تصمیمات خویش را با تأکید بر اختیار خود می‌گیرد.

البته مانند تمام اصول، امکان سوءاستفاده از آزادی عقیده به‌عنوان یکی از مظاهر حق‌های بشری هم وجود دارد؛ برخی‌ها به بهانه بهره‌گیری از آزادی جوامع را دچار چالش می‌کنند و به اعتقادات دیگران توهین می‌نمایند. این امر سبب می‌شود تا این حق طبیعی بشر منشأ نزاع، اختلاف و درگیری گردد و منجر به اخلال در نظم عمومی شود؛ بنابراین، باید راه‌حلی برای این تضاد پیدا کرد: از یک‌طرف نمی‌توان مردم را از حقوق بنیادین خود سلب نمود و از طرفی دیگر می‌بایست از هرج‌ومرج و سوءاستفاده‌های بی‌مورد جلوگیری کرد. حکومت در این میان نقش میزان را دارد و وظیفه تنظیم و ایجاد توازن منطقی بین این دو موضوع را دارا است تا آزادی مشروع مردم حفظ شود و اعمال ناشایست حق آزادی عقیده، جامعه را دچار بی‌نظمی و مخاصمه نکند. این بحث می‌تواند ابعاد بسیار پیچیده‌ای پیدا کند، خصوصاً زمانی که حقوق مورد مناقشه به اعتقادات عمیق بشر مرتبط شوند. مصداق بارز این مسئله کنکاش پیرامون آزادی مذهبی است؛ این نوع حق بنیادین یکی از ابعاد و زیرمجموعه همان آزادی عقیده به‌حساب می‌آید (گرچی ازندریانی، ۱۳۸۳: ۳۰۱).

معمولاً در مورد آزادی مذهبی احساسات مردم بیشتر تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند، زیرا اعتقادات دینی مربوط به باورهای بسیار شخصی، خصوصی و عمیق انسان است، لذا واضح است که ورود امر قانون‌گذاری به چنین حوزه‌ای حساسیت و اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. علاوه بر این، طبیعی است که نگاه حکومت و نوع رویکرد و برخورد آن با اصل آزادی مذهبی و تضمین آن وابستگی زیادی به موضوع کلی رابطه حکومت با دین دارد؛ قاعدتاً برخورد و رویکرد یک حکومت مذهبی نسبت به موضوع ترسیم و تنظیم

آزادی دینی شهروندان و تضمین آن تفاوت زیادی با نگاه و دیدگاه یک رژیم سیاسی غیرمذهبی خواهد داشت (Loprieno, 2009: 33)؛ بنابراین، روند تغییر نگاه حکومت به عنصر دین تأثیر مستقیم بر قانون‌گذاری‌ها و حتی جرم‌انگاری‌های مربوط به آزادی مذهبی و مسئله جرم‌انگاری توهین به مقدسات دارد (ناظریان، رهامی، مرادی، ۱۳۹۹: ۱۶۲). یکی از کشورهایی که با چالش تغییر ماهیت حکومت و رابطه رژیم سیاسی و مذهب و تأثیر آن بر قانون‌گذاری و جرم‌انگاری مربوط به آزادی دینی روبه‌رو شده است ایتالیا است. در این مطالعه با استناد به روش توصیفی-تحلیلی تلاش می‌شود تا پاسخ این سؤال اساسی مشخص گردد: تغییر تدریجی نظام سیاسی ایتالیا در قرن بیستم میلادی از رژیمی وابسته به یک مذهب رسمی به یک سامانه ظاهراً بی‌طرف و سکولار چه تأثیری بر تضمین کیفری آزادی مذهبی مردم داشته است؟ پاسخ به این سؤال کمک شایانی در راستای نیل به هدف ذیل محسوب می‌شود: تعیین ملاک‌های علمی برای سنجش رابطه بین میزان وابستگی نظام سیاسی به دین و کمیت و کیفیت رعایت حقوق بشر مانند آزادی دینی افراد جامعه (چه اکثریت مردم، چه اقلیت‌های مذهبی موجود).

این ملاک‌ها برای تمام کشورها صدق می‌کنند و محدود به یک منطقه جغرافیایی و فرهنگی خاص نمی‌شوند. اهمیت پژوهش به این صورت قابل توصیف است که بدون تنظیم و ایجاد تعادل بین عناصری چون حکومت، مذهب، آزادی و توسل به ابزارهای سرکوبگر کیفری برای ایجاد نظم در جامعه بشر توان عبور از مشکلات مربوط به درگیری‌های قومی و مذهبی را نخواهد داشت. سامان‌دهی تحقیق به شرح ذیل است: در بخش اول به توصیف مفاهیمی چون تضمین کیفری آزادی مذهبی و سخن نفرت‌آمیز می‌پردازیم؛ در بخش دوم موضوع جرم‌انگاری توهین به مقدسات و تضمین کیفری آزادی مذهبی در قوانین ایتالیا از سال ۱۹۳۰ یعنی زمانی که رژیم ایتالیا وابستگی زیادی به مکتب کاتولیک داشت را بررسی می‌کنیم. در بخش بعدی قوانین و آرای دادگاه قانون اساسی ایتالیا پیرامون تحولات مربوط به تغییر رژیم سیاسی و نگاه دولت سکولار تأسیس‌شده در اواسط قرن بیستم به دین را مطالعه می‌نماییم. سپس قوانینی که اخیراً صادرشده‌اند توصیف می‌شوند و در آخر به نتیجه‌گیری و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

۱- مفهوم تضمین کیفری آزادی مذهبی و سخن نفرت آمیز

در ادامه به بررسی مفاهیم تضمین کیفری آزادی مذهبی و سخن نفرت آمیز پرداخته می‌شود.

۱-۲ تضمین کیفری آزادی مذهبی

برای توسعه نظام‌های حقوقی ذکر آزادی‌ها و حقوق بشر در اسنادی مانند قانون اساسی و غیره کفایت نمی‌کند و بدون ضمانت اجرای مقتضی این اصول قابل اعمال و پاسداری نخواهند بود. یکی از ابزارهای تأثیرگذار مربوط به ضمانت اجرای حقوق ملت، صدور قوانین کیفری و اصطلاحاً جرم‌انگاری است؛ به طریق این ابزار اگر در عمل آزادی شهروندان مخدوش یا تضعیف شود، حکومت یا افراد بزه دیده علیه فرد یا نهاد ضایع کننده آزادی دیگران اقدام می‌کنند و مجازاتی در نظر گرفته می‌شود.

این مهم در بحث تضمین کیفری آزادی مذهبی هم صحت خود را حفظ می‌کند. اگر از یک طرف مفهوم آزادی مذهبی در برخی اسناد حقوق بین‌الملل مانند بند ۱ ماده ۹ منشور اروپایی حقوق بشر یا ماده ۱۸ منشور جهانی حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق بنیادین مردم معرفی می‌شود و محتوای آن مسائلی چون اعلام پیروی از یک دین در فضای خصوصی و عمومی، به صورت جمعی یا انفرادی، به طریق بیان، آموزش یا عمل کردن به رسوم خاص مذهبی و همچنین شامل آزادی تغییر دین خود می‌شود (Fiorita, Loprieno, 2009: 220)، از طرفی دیگر تضمین کیفری این اصل عملاً به طریقی صورت می‌گیرد که اگر فردی یا نهادی قلمرو این آزادی را زیر سؤال ببرد، فرد زیان دیده یا حکومت می‌توانند مسئله را پیگیری کیفری کنند و خاطی را مجازات نمایند (Adamo, 2017: 87)؛ مثلاً اگر فردی به پیرو یک مذهب توهین کند و فحاشی آن مربوط به عنصر دین باشد، این موضوع بدون شک در تمام نظام‌های حقوقی جرم محسوب می‌شود.

۱-۳ سخن نفرت آمیز

اهانتی که ماهیت دینی یا نژادی دارد، در اصطلاح حقوقی «سخن نفرت آمیز» نامیده می‌شود. این واژه به موجب دکترین‌هایی ارائه شده است و به صورت مختلفی تفسیر

می‌گردد؛ مثلاً برخی از حقوقدانان آن را به‌عنوان بیان تند شفاهی با محتوای نژادپرستانه و با نیت ضربه زدن به روحیه مخاطب توصیف می‌کنند (Delle Donne, 2014: 30). برخی دیگر برای مشخص کردن قلمرو واژه سخن نفرت‌آمیز پنج عنصر معرفی می‌کنند: اولاً باید وسیله‌ای که به طریق آن توهین صورت گرفته است مشخص شود؛ زیرا ممکن است سخن نفرت‌آمیز به طریق شبکه‌های مجازی ابراز گردد یا به طریق سخن شفاهی بیان شود. ثانیاً محتوای سخن باید مربوط به عناصری چون نژاد، زبان، عقیده سیاسی، دین و جنسیت بزه دیده باشد. ثالثاً، مخاطب اهانت باید مشخص باشد و نمی‌توان یک توهین کلی به افراد نامشخص را جزو قلمرو این واژه دانست. رابعاً، ماهیت اهانت باید خارج از قلمرو موضوعاتی چون طنز و لطیفه‌گویی قرار گیرد. خامساً، سخن توهین‌آمیز باید به‌گونه‌ای ابراز شود که مخاطب به‌شدت تحت تأثیر قرار گیرد و کرامت خود را مخدوش شده محسوب کند (Wongher, 2015: 13-14). علاوه بر این‌ها، ممکن است موضوع یک تضاد و چالش مهم هم مطرح شود، زیرا از دیدگاه برخی نویسندگان پیرامون مبحث تضمین کیفری آزادی مذهبی دو نوع حق روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. از یک‌طرف حق تضمین کیفری آزادی دینی و اعتقادی پیروان ادیان بروز پیدا می‌کند و از طرفی دیگر بعضی‌ها حق آزادی بیان منتقدین مذاهب را هم مورد توجه قرار می‌دهند. به این معنی که انتقاد نباید جزو مصادیق توهین به حساب آید؛ اگر این‌طور نباشد عملاً آزادی بیان بخش مهمی از جامعه نادیده گرفته می‌شود و حکومت‌ها با پاسداری از آزادی مذهبی، اصل بنیادین و بشری دیگری تحت عنوان آزادی بیان را محدود می‌کنند (Howard, 2017: 313).

درواقع دشواری ایجاد توازن بین این اصول متضاد برای قانون‌گذارهای معاصر سبب می‌شود تا هر زمان تضمین کیفری آزادی دینی تقویت گردد، حق آزادی بیان مخالفان یا نقدکنندگان ادیان و مکاتب گوناگون فلسفی و مذهبی محدود شود. لکن از طرفی دیگر سیستم‌های حکومتی با این مشکل روبه‌رو می‌شوند که در راستای پاسداری بهتر از آزادی بیان منتقدین ادیان، تضعیف تضمین کیفری آزادی مذهبی و عدم اجرای سیاست‌های محدودکننده سخن‌های نفرت‌آمیز رقم می‌خورد.

۲- تضمین کیفری آزادی مذهبی در قانون جزای ایتالیا سال ۱۹۳۰

تلاش حکومت ایتالیا برای شکل‌گیری یک نظام حقوقی جامع، کامل و منطقی در باب موضوع پاسداری و تضمین کیفری آزادی دینی قدمت زیادی دارد و تقریباً به سال ۱۹۳۰ میلادی بازمی‌گردد، یعنی زمانی که قانون کیفری فعلی ایتالیا صادر شد. در فصل چهارم کتاب دوم قانون کیفری این کشور یعنی از ماده ۴۰۲ الی ۴۰۶ بخش «جرائم علیه دین رسمی حکومت و ادیان مشروع» مورد توجه قانون‌گذار وقت قرار گرفت.

۲-۱ سیاست کیفری قانون ۱۹۳۰ در قبال تضمین جزایی آزادی مذهبی

این بخش قانون کیفری ایتالیا به‌طور کلی سه موضوع اصلی را شامل می‌شود که به‌مثابه اصول اساسی سیاست کیفری ایتالیا در قبال تضمین کیفری آزادی دینی سیستم حقوقی وقت این کشور، مورد تأیید دکتین حقوقی قرار گرفته‌اند:

الف) این مواد (۴۰۲ الی ۴۰۶) یک برتری از نظر حقوقی به دین مسیحیت کاتولیک، یعنی دین اکثریت مردم ایتالیا، نسبت به دیگر ادیان موجود در جامعه بخشیده‌اند. عدم برابری ادیان نزد قانون با استناد به مواد ۴۰۲ و ۴۰۶ به‌خوبی مشخص می‌شود (Leotta, 2013: 126). طبق ماده ۴۰۲ قانون کیفری سال ۱۹۳۰ «هر کس به دین رسمی حکومت در انظار عمومی توهین نماید تا یک سال به مجازات حبس محکوم می‌شود». ادله دیگر عدم برابری ادیان نزد قانون و برتری مسیحیت کاتولیک نسبت به مذاهب دیگر ماده ۴۰۶ است.

بر اساس این قانون «هر کس یکی از جرائم پیش‌بینی‌شده در مواد ۴۰۳، ۴۰۴ و ۴۰۵ علیه ادیان مورد قبول دولت را مرتکب شود، طبق مقررات مذکور مجازات خواهد شد، اما کیفر مربوطه همراه با تخفیف اعمال می‌گردد»؛ منظور قانون‌گذار این است که انواع اهانت‌ها و مجازات مطروحه در مواد ۴۰۳ الی ۴۰۵ (توهین به پیروان ادیان و روحانیون مذهبی، اهانت به نمادهای دینی، ایجاد مزاحمت و اختلال در آیین‌های مذهبی) علیه اعتقادات مذهبی آحاد ملت به معنی تضمین کیفری نه‌تنها دین رسمی کشور، بلکه به معنی حفظ حرمت و کرامت پیروان ادیان دیگر موجود در جامعه هم است. البته در این‌باره دو نکته را باید تذکر داد: اولاً فقط ادیان مورد شناسایی و تأیید دولت (غیر از

مذهب رسمی) مورد حمایت کیفری قرار می‌گیرند. ثانیاً این حمایت جزایی مخففه است، در صورتی که بر اساس ماده ۴۰۲ مجازات توهین به دین رسمی کشور (مسیحیت کاتولیک) تخفیف ندارد؛ بنابراین، در نظام حقوقی آن زمان ایتالیا توهین به دین رسمی با مجازات سنگین‌تری نسبت به اهانت به دیگر ادیان همراه بود.

ب) موضوع مهم دیگر این است که بر اساس مؤلفه‌های قانون‌گذاری وقت و برعکس تصور نظام‌های سکولار فعلی در اروپا، دین فقط جنبه شخصی و خصوصی پیدا نمی‌کند. وزیر دادگستری وقت ایتالیا یعنی آقای «آلفردو روکو»، دین را یک عنصر اجتماعی اساسی معرفی می‌کرد و آن را یکی از موضوعات اصلی جامعه هم در داخل کشور و هم در سطح جهانی می‌دانست (Alesani, 2006: 110). در واقع اگر بخواهیم به ماهیت این قوانین مراجعه کنیم باید بگوییم که قانون کیفری ایتالیا مصوب سال ۱۹۳۰ در باب مذهب تفکر فردگرا و اصل جدایی دین از مسائل عمومی را رد کرده و دین را تحت منفعت حقوقی عموم جامعه و حکومت قرار داده است.

ج) علی‌رغم دیدگاه مذکور، قانون‌گذار وقت سعی کرده است در باب جرائم مربوط به مسائل داخلی انجمن‌ها و تشکلات مذهبی دخالت نکند. به‌عنوان مثال در فصل «جرائم در باب نهادهای داخلی ادیان» هیچ اشاره‌ای به موضوعاتی چون ممنوعیت ازدواج کشیش‌ها، یعنی یکی از ارکان دین مسیحیت کاتولیک، یا دیگر محدودیت‌های دینی مذهب رسمی کشور دیده نمی‌شود، زیرا دولت سعی کرده است از دخالت بیش‌ازحد در امور داخلی ادیان امتناع ورزد (Leotta, 2013: 127).

۲-۲ انواع اهانت‌ها علیه اعتقادات مذهبی (مسیحیت کاتولیک و دیگر مذاهب مورد تأیید حکومت)

غیر از سه اصل مربوط به سیاست کیفری نظام ایتالیا در قبال تضمین جزایی آزادی مذهبی، قانون کیفری وقت انواع اهانت‌ها را مورد توجه خود قرار داده و در این زمینه جرم‌انگاری مقرر شده است. غیر از توهین عام به دین رسمی کشور موضوع ماده ۴۰۲ که قبلاً مورد تحلیل قرار گرفت، در ماده ۴۰۳ (بند ۱) به صورت خاص اهانت در انظار عمومی به پیروان مسیحیت کاتولیک مورد توجه قرار گرفت و برای این جرم تا دو سال

حبس پیش‌بینی شد (Vitali, Chizzoniti, 2013: 10). در بند دوم ماده ۴۰۳ توهین به کشیش‌های مسیحیت کاتولیک جرم‌انگاری گردید و کیفر آن از یک تا سه سال حبس تعیین شد؛ در ماده ۴۰۴ اهانت به اشیاء و نمادهای مسیحیت کاتولیک مورد پیگرد کیفری قرار گرفت و برای این رفتار مجرمانه از یک تا سه سال حبس در نظر گرفته شد (Messina, Spinnato, 2012: 522). طبق ماده ۴۰۵ هم ایجاد مزاحمت و اختلال در آیین و مراسم مذهبی دین رسمی کشور جرم به حساب می‌آید و تا دو سال حبس دارد (Ivaldi, 2012: 45). غیر از بحث دین رسمی (مسیحیت کاتولیک)، قانون‌گذار ایتالیا حقوق ادیان دیگر را نیز به رسمیت شناخته است و در بند ۱ ماده ۱ قانون شماره ۱۱۵۹ مصوب ۱۹۲۹ میلادی ادیان مشروع را ادیانی معرفی می‌کند که از مذهب کاتولیک پیروی نمی‌کنند و اصول و آداب آن‌ها بانظم عمومی و اخلاق حسنه مغایرت ندارند. در بند ۲ همین قانون، حکومت ایتالیا آزادی مذهبی را برای همه ادیان به شرط رعایت مصادیق مذکور تضمین می‌نماید و متعاقب این موضوع ماده ۴۰۶ قانون کیفری توهین به ادیان مشروع را هم جرم‌انگاری کرده است. البته همان‌طور که توضیح داده شد، در همین ماده تخفیفی برای اهانت‌کنندگان به مذاهب مورد تأیید خارج از دین رسمی دولت پیش‌بینی شده است که این امر اثبات‌کننده برتری مسیحیت کاتولیک نسبت به ادیان دیگر در سیستم حقوقی-سیاسی وقت است (Chizzoniti, 2000: 253).

۲- اصول قانون اساسی مصوب سال ۱۹۴۸ در باب آزادی مذهبی و چالش‌های پیش رو

پس از سقوط نظام سلطنتی به دلیل تحولات جنگ جهانی دوم و شکست رژیم فاشیست ایتالیا و تأسیس حکومت جمهوری در سال ۱۹۴۶، مجلس مؤسس تشکیل شده در آن دوره قانون اساسی جدیدی را در سال ۱۹۴۷ تصویب کرد که از اول ژانویه سال ۱۹۴۸ لازم‌الاجرا اعلام شد (Onida, Pedrazza Gorlero, 2011: 11). در این سند حقوقی نوپا یک سری حقوق، آزادی و اصول بنیادین شهروندان ذکر شدند و آزادی مذهبی به‌طور جدی‌تر نسبت به گذشته جزو این مسائل قرار گرفت. حکومت دموکراتیک جدیدالتأسیس در همان آغاز کار خود با یک چالش مهم روبه‌رو شد زیرا قانون اساسی سال ۱۹۴۸ هیچ دینی را به‌عنوان مذهب رسمی کشور عنوان نمی‌کرد، اما

همچنان قوانین جزایی مصوب سال ۱۹۳۰ عملاً مسیحیت کاتولیک را برتر نسبت به ادیان دیگر جلوه می‌داد. به‌رحال توهین به دین رسمی سابق هنوز مجازات سنگین‌تری نسبت به اهانت به مذاهب دیگر در برمی‌گرفت.

بر اساس اصل ۳ قانون اساسی جمهوری ایتالیا همه آحاد ملت گذشته از مصادیق متعدد مانند جایگاه اجتماعی، نژاد، دین و غیره در نزد قوانین برابر هستند. بر اساس اصل ۸ قانون اساسی هم تمام ادیان و تشکلات دینی در برابر مقررات موجود یکسان هستند و دولت نمی‌تواند هیچ‌گونه تبعیضی را اعمال نماید. در کنار این موضوعات بخشی از جامعه اساساً با جرم‌انگاری توهین به دین و تضمین کیفری آزادی دینی مخالف بود زیرا از نظر این افراد جامعه‌ی دموکراتیکی که در آن اصولی چون آزادی بیان و عقیده محترم هستند، نباید با برخوردهای محدودکننده و ابزارهای سرکوبگر جزایی جلوی ابراز عقیده منتقدین مذاهب را بگیرد (Gianfreda, 2012: 20). علاوه بر این موضوعات، قانون اساسی جدید ایتالیا در اصل هفتم خود رابطه دین کاتولیک و دولت را این‌گونه ترسیم کرد که این دو حوزه باید از هم جدا و مستقل باشند و در امور یکدیگر نباید دخالت صورت گیرد. هرچند این رابطه می‌تواند به طریق برخی پیمان‌های ویژه بین دولت ایتالیا و حکومت واتیکان (حافظ منافع کاتولیک‌های جهان و خصوصاً ایتالیا) به‌عنوان دولتی مستقل تحت رهبری پاپ به‌عنوان رهبر معنوی و مرشد مسیحیت کاتولیک تنظیم شود.

۴- رویه دادگاه قانون اساسی در باب تضمین کیفری آزادی مذهبی

برای پاسخ به این شبهات و در راستای بررسی چالش‌ها و تضادهای اعلام‌شده، در این بخش به نظریات مفسر قانون اساسی، یعنی دادگاه مربوطه، مراجعه می‌کنیم. این فصل به دو زیرمجموعه تقسیم می‌شود: قسمت اول پیرامون رویه قدیمی دادگاه قانون اساسی ایتالیا است و قسمت دوم در باب رویه جدید این نهاد است.

۴-۱ رویه قدیمی دادگاه قانون اساسی در باب تضمین کیفری آزادی مذهبی و رابطه آن با اصول قانون اساسی: مقاومت در برابر تکثرگرایی مذهبی

دادگاه قانون اساسی ایتالیا در باب مسئله تضمین کیفری آزادی مذهبی دورویه کلی را

پیش برده است. رویه نخست از سال ۱۹۵۷ تا اواسط دهه ۷۰ میلادی اعلام گردید و رویه دوم از سال ۱۹۸۸ تا سال ۲۰۰۵ صادر شد (Mormando, 2005: 58). در تصمیمات مربوط به تضمین کیفری آزادی مذهبی، دادگاه قانون اساسی بخش جرائم علیه دین رسمی حکومت و ادیان مشروع قانون کیفری ۱۹۳۰ را بررسی کرده است. از سال ۱۹۵۷ تا اواسط دهه ۷۰ میلادی، قضاوت دادگاه قانون اساسی نگاهی محافظه کارانه نسبت به اجرای اصول قانون اساسی دارند و اعلام می کنند که وجود یک دین رسمی و برتر در نظام حقوقی ایتالیا علی رغم وجود اصول ۳ و ۸ قانون اساسی منطقی است، زیرا به هر حال اکثریت مطلق مردم ایتالیا مسیحی کاتولیک می باشند و اگر قانون نسبت به این دین به هر نحوی برتری ببخشد، این موضوع مغایر با قانون اساسی نیست (Lariccia, 1988: 4311).

اولین رأی در این باب در سال ۱۹۵۷ صادر شد (شماره ۱۲۵) که مربوط به ماده ۴۰۴ قانون کیفری بوده (توهین به نمادهای دین رسمی حکومت) است و پس از آن رأی شماره ۷۹ در سال ۱۹۵۸ در باب مغایرت یا عدم مغایرت ماده ۷۲۴ قانون کیفری با قانون اساسی در مورد توهین به مذهب صادر شد. آرای دیگر که مربوط به رویه محافظه کارانه قضاوت دادگاه قانون اساسی می باشند، رأی شماره ۳۹ سال ۱۹۶۵ در مورد ماده ۴۰۲ قانون کیفری در باب توهین به مسیحیت کاتولیک و رأی شماره ۱۴ سال ۱۹۷۳ در باب ماده ۷۲۴ قانون کیفری هستند. در تمام این تصمیمات قضاوت دادگاه قانون اساسی مواد قانون کیفری را مغایر با اصول قانون اساسی ندانسته اند (Leotta, 2013: 132). البته ناگفته نماند که در رأی سال ۱۹۷۳ دادگاه قانون اساسی علی رغم اعلام عدم مغایرت ماده ۷۲۴ با قانون اساسی این را هم اضافه کرد که بهتر است قانون گزار در باب توهین به ادیان قوانین جدید و به روزتری صادر کند تا تضمین کیفری آزادی همه ادیان و پیروان مذاهب مختلف به صورت یکسان و بدون تفاوت و تبعیض اجرا شود (Corte cost. 14-73: point 69) و بالاخره در سال ۱۹۷۵، به طریق رأی شماره ۸۸، اولین دوره این رویه قضایی به پایان رسید که در آن برای آخرین بار دادگاه قانون اساسی مواد مربوط به بخش جرائم علیه دین رسمی حکومت و ادیان مشروع را (مواد ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۶) در تطبیق با اصول ۳ و ۸ قانون اساسی (اصل برابری شهروندان در

برابر قانون و اصل برابری ادیان در برابر حکومت) متضاد اعلام نکرد (Guazzarotti, 1995: 4531).

در تمام این موارد دادگاه قانون اساسی قوانین کیفری مربوط به تضمین جزایی آزادی دینی را مخالف قانون اساسی ندانست. به بیانی دیگر، هرچند قوانین کیفری تضمین مقتدرتری برای آزادی مذهبی کاتولیک‌ها پیش‌بینی می‌کردند و مجازات سنگین‌تری برای اهانت به دین کاتولیک، پیروان، روحانیون، آیین‌ها و نمادهای این مکتب نسبت به ادیان دیگر در نظر می‌گرفتند، این مهم از منظر دادرسان اساسی مغایر اصل برابری همه ادیان نزد قانون و بی‌طرفی حکومت دموکراتیک تأسیس‌شده بعد از سقوط فاشیسم شناخته نشد. دلیل این استدلال این بود که قضات برتری ضمنی مسیحیت کاتولیک نسبت به ادیان دیگر را در یک کشوری که از لحاظ تاریخی و فرهنگی وابستگی زیادی به دین مذکور را دارا است، امری طبیعی و بدیهی عنوان کردند و مغایرتی بین این موضوع و کلیات نظام حکومتی ملاحظه نکردند.

۲-۴ رویه جدید دادگاه قانون اساسی در باب تضمین کیفری آزادی مذهبی و رابطه آن با اصول قانون اساسی: احترام به تمام ادیان و برابری مذاهب مختلف نزد حکومت

از اواسط دهه ۸۰ میلادی رویه دادگاه قانون اساسی تغییر کرد. دلیل اصلی این مسئله انعقاد قراردادی جدید بین دولت ایتالیا و حکومت واتیکان بود که بر اساس آن پیمان قبلی که در نیمه اول قرن ۲۰ منعقدشده بود اصلاح گردید و قوانین جدیدی در باب رابطه حکومت رم و دین مسیحیت کاتولیک صادر شدند. بر اساس ماده یک اصلاحیه مذکور حکومت واتیکان و پاپ به‌عنوان رهبر کاتولیک‌ها قبول می‌کند که در نظام حکومتی و حقوقی ایتالیا دیگر هیچ دین رسمی و برتر وجود ندارد. متعاقب این قانون جدید، فصلی تازه در رویه دادگاه قانون اساسی آغاز می‌گردد (Occhiocupo, 2010: 89)؛ در رأی شماره ۹۲۵ سال ۱۹۸۸ قضات اساسی ایتالیا ماده ۷۲۴ قانون کیفری را که در باب توهین به مقدسات دین رسمی کشور نگارش شده بود، با برخی از اصول قانون اساسی مقایسه کردند. البته قضات علی‌رغم اینکه قانون مذکور عملاً به دین رسمی کشور اشاره می‌داشت و به مذهب کاتولیک در باب تضمین آزادی مذهبی ارجحیت

بخشیده بود، این قانون را مغایر با قانون اساسی اعلام نکردند (Corte cost. 925-88:)
1-2 points).

اما صراحتاً در متن رأی اعلام نمودند که اصلاح پیمان دولت ایتالیا با کلیسای کاتولیک به این معنی است که حکومت نمی‌تواند یک دین برتر و ویژه داشته باشد و ارجحیت بخشیدن به یک دین نسبت به دیگر ادیان جامعه امری غیرقانونی است و استناد به اینکه یک مذهب در جامعه پیروان زیادی دارد نمی‌تواند دیگر از نظر حقوقی امری موجه محسوب شود (ibid: point 7)؛ بنابراین، در رأی مذکور دادگاه قانون اساسی قانون‌گذار را به اصلاح قوانین موجود دعوت نمود؛ هدف این اصلاحیه تضمین کیفری یکسان برای همه ادیان جامعه به حساب می‌آید (ibid: point 10). علی‌رغم این رأی که بیشتر نیت ارشادی داشت و قانون کیفری را مغایر قانون اساسی اعلام نکرد، قانون‌گذار در سنوات بعدی هیچ اقدام مؤثری برای ایجاد برابری در تضمین کیفری آزادی مذهبی ادیان مختلف انجام نداد (Casuscelli, 2005: 10) و دادگاه قانون اساسی مجبور شد تا در قضیه‌ای دیگر موضوع را مجدداً بررسی و حل‌وفصل کند. در سال ۱۹۹۵ قضات اساسی ماده ۷۲۴ قانون کیفری را با اصول ۳، ۸ و ۲۵ قانون اساسی تطبیق دادند و بالاخره مغایرت و ابطال این قانون با اصول مذکور را صادر کردند (Corte cost. 440-95: per questi motivi, point 1).

در این رأی استدلال قضات این‌گونه بیان گردید که در یک رژیم سیاسی بدون دین رسمی قوانین کیفری نمی‌توانند مجازات‌های مشدده برای توهین به یک مذهب خاص در نظرگیرند. در واقع اگر قرار باشد اهانت به ادیان جرم‌انگاری شود، تمام ادیان به‌طور برابر باید مورد توجه قرار گیرند. لذا با توجه به پیمان جدید بین ایتالیا و واتیکان و اصول قانون اساسی درباره برابری شهروندان نزد قانون (گذشته از موضوعاتی چون اعتقادات مذهبی آحاد ملت) ماده ۷۲۴ مغایر قانون اساسی شناخته شد؛ زیرا در این ماده فقط توهین به دین رسمی سابق (مسیحیت کاتولیک) جرم‌انگاری شده بود. بابیانی دیگر، این قانون بعد از گذشت حدود ۶۰ سال از صدور کتاب قانون کیفری ایتالیا در سال ۱۹۳۰، تبعیض‌آمیز عنوان شد. از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۵ دادگاه قانون اساسی تصمیمات مختلفی در راستای تضمین کیفری برابر بین ادیان مختلف موجود در جامعه ایتالیا

صادر کرد. در این آراء تمام مواد مربوط به بخش جرائم علیه دین رسمی حکومت قانون کیفری ۱۹۳۰ مخالف قانون اساسی اعلام شدند. مثلاً در سال ۱۹۹۷ به طریق رأی شماره ۳۲۹ قضاات دادگاه قانون اساسی مغایرت بند ۱ ماده ۴۰۴ قانون کیفری را در قیاس با اصول ۳ و ۸ قانون اساسی اعلام کردند (1 point: Corte cost. 329-97).

این قانون مربوط به توهین به نمادها و آیین‌های دین رسمی حکومت بود که در آن کیفری سنگین‌تری نسبت به توهین به نمادها و آیین‌های ادیان دیگر در نظر گرفته می‌شد. در این رأی قضاات مجدداً تأکید می‌کنند که پس از اصلاح پیمان دولت با کلیسا دیگر ارجحیت بخشیدن به تضمین کیفری آزادی مذهبی پیروان یک دین خاص مغایرت کامل با اصل برابری شهروندان نزد قانون و همچنین اصل برابری ادیان نزد حکومت دارد. قضاات در رأی خود تصریح می‌نمایند که بر اساس کلیات نظام حقوقی حاکم، برتری یک مذهب خاص به نام اینکه آن مکتب از طرف اکثریت مردم مورد قبول است توجیهی قانونی در یک دولت بی‌طرف محسوب نمی‌شود و آزادی مذهبی باید برای همه مذاهب حاضر در جامعه رعایت شود (ibid: point 2.5). در همین رأی دادگاه قانون اساسی تفسیر تضمین آزادی مذهبی را ارائه می‌کند و مقرر می‌دارد که حفاظت و تضمین کیفری نسبت به احساسات مذهبی و همچنین نسبت به آزادی مذهبی شهروندان مکمل حق اساسی آزادی دینی بیان‌شده در قانون اساسی است و این مهم طبیعتاً باید به صورت یکپارچه برای تمام ادیان در نظر گرفته شود (ibid: point 2.6).

قضاات به این نتیجه دست پیدا می‌کنند که تضمین برابر آزادی مذهبی برای همه مردم به مثابه اجرای اصل جدایی مذهب از حکومت تلقی می‌گردد؛ بنابراین، قضاات دادگاه قانون اساسی تفسیری از یک حکومت غیرمذهبی را ارائه می‌کنند و مقرر می‌دارند که حکومت سکولار به این معنا نیست که دولت در برابر احساسات مذهبی مردم و ادیان مختلف بی‌تفاوت باشد، بلکه به این معنی است که حکومت ضمن احترام به همه ادیان، نسبت به مذاهب مختلف موجود در جامعه بی‌طرف و غیر متعهد است و به یک دین خاص گرایش ندارد (ibid: point 2.4).

با استدلال‌های مشابه به‌مرور زمان دادگاه قانون اساسی مواد ۴۰۲ (توهین به دین

رسمی حکومت در عموم)، ۴۰۳ (توهین به پیروان دین رسمی حکومت) و ۴۰۵ (ایجاد اختلال در آیین و مراسمات مذهبی دین رسمی کشور) قانون کیفری را هم مغایر قانون اساسی اعلام می‌نماید. در تمام این آراء (شماره ۵۰۸ سال ۲۰۰۰، شماره ۳۲۷ سال ۲۰۰۲، شماره ۱۶۸ سال ۲۰۰۵) ضمن تأکید بر تبعیض‌آمیز بودن قوانین مربوط به تضمین کیفری آزادی مذهبی، استدلال اصلی قضات به این شرح عنوان می‌شود: در نظامی که همه ادیان به صورت یکسان شناسایی می‌شوند و یک دین برتر و رسمی وجود ندارد، این امر قابل قبول نیست که فقط یک مذهب (مکتب کاتولیک) آزادی دینی پیروانش تضمین شود یا به‌رحال این آزادی تضمین بیشتری نسبت به ادیان دیگر داشته باشد (Corte cost. 327-02: point 2؛ Corte cost. 508-00: point 3.3؛ Corte cost. 168-05: point 4)؛ بنابراین، در رویه جدید خود دادگاه قانون اساسی نه تنها تضمین کیفری آزادی مذهبی را تحت مؤلفه‌های نوین تفسیر می‌نماید و دوران وجود دین رسمی دولت را خاتمه می‌دهد، بلکه جایگاه رابطه دین و حکومت را مشخص می‌نماید. در این رابطه باید توجه داشته باشیم که دادرسان اساسی جدایی دین و نظام سیاسی-حقوقی را به‌عنوان نزاع بین این دو عنصر شناسایی نمی‌کنند، بلکه دولت بدون دین رسمی را دولتی می‌دانند که باید به تمام ادیان جامعه به‌طور یکسان احترام بگذارد و آزادی مذهبی همه آحاد ملت را به‌صورت مساوی توسط قوانین کیفری عادلانه محقق نماید.

۵- مواد جدید قانون کیفری پس از اصلاحیه سال ۲۰۰۶

همه آرای مذکور به این نکته ختم شدند که قوانین صادره در قانون کیفری ایتالیا سال ۱۹۳۰ اگر هم در دوران خود، یعنی زمانی که نظام حقوقی ایتالیا یک دین رسمی و برتر داشت، مغایر با اصول کلی آن حکومت محسوب نمی‌شدند؛ اما پس از اصلاح پیمان دولت با کلیسا و همچنین صدور قانون اساسی جدید در سال ۱۹۴۷ و فقدان یک دین رسمی برای حکومت، قوانین کیفری که به‌صورت یکسان آزادی مذهبی پیروان ادیان مختلف را تضمین نکنند باید غیرقانونی و متضاد با ارزش‌های یک حکومت سکولار شناسایی شوند؛ زیرا این نوع رژیم بنا به استنباط قضات دادگاه قانون اساسی ایتالیا

نگاهی یکسان و بی‌طرف و غیر متعهد به ادیان مختلف حاضر در جامعه دارد. تا پایان سال ۲۰۰۵ دادگاه قانون اساسی همه مواد قانون کیفری سال ۱۹۳۰ در باب جرائم علیه دین رسمی حکومت و ادیان مشروع را مغایر با قانون اساسی اعلام کرد و بنا به این دیدگاه و بر اساس اینکه طبیعتاً دادگاه قانون اساسی اجازه قانون‌گذاری ندارد، قوه مقننه ایتالیا تصمیم گرفت تا قوانین کیفری موجود را با آرای قضات اساسی تطبیق دهد؛ با این نیت که مواد قانون کیفری باید با اصول ۳ و ۸ قانون اساسی هماهنگ باشند و دیگر مغایرتی بین قوانین مربوط به تضمین کیفری آزادی مذهبی در قانون جزا نسبت به اصل برابری همه شهروندان در برابر قانون و اصل برابری ادیان مختلف نزد حکومت وجود نداشته باشد (Del Bo, 2014: 10).

در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۰۶، قانون‌گذار قانون شماره ۸۵ در باب «جرائم علیه مکاتب مذهبی» را صادر کرد و در واقع طبق این قانون جدید بخش «جرائم علیه دین رسمی حکومت و ادیان مشروع» کلاً حذف و بخشی جدید در قانون کیفری ایتالیا گنجانده شد. طبق این اصلاحیه ماده ۴۰۳ جدید قانون کیفری با عنوان «توهین به یک مکتب مذهبی به طریق اهانت به پیروان آن» صادر گردید و مجازات این رفتار مجرمانه (توهین به پیروان ادیان) جریمه نقدی از ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ یورو اعلام شد. در بند ۱ این قانون آمده است که اهانت برای اینکه قابلیت پیگرد قانونی داشته باشد باید در عموم (انظار عمومی) اعمال شده باشد و در بند ۲ اضافه می‌شود که اگر توهین خطاب به روحانی یک مذهب صورت گیرد، مانند یک کشیش یا یک خاخام یا یک عالم اسلامی، مجازات نقدی از ۲۰۰۰ تا ۶۰۰۰ یورو خواهد بود و در این موضوع خاص نیازی نیست که توهین در عموم بیان شده باشد (Basile, 2011: 15).

از طرفی دیگر ماده ۴۰۴ جدید در باب «توهین به یک مکتب دینی به طریق اهانت یا تخریب نمادها» است.

در بند ۱ این ماده پیش‌بینی شده است که اگر فردی به یک دین اهانت کند به پرداخت جریمه نقدی از ۱۰۰۰ الی ۵۰۰۰ یورو محکوم می‌شود. برای اینکه این نوع اهانت پیگرد قانونی داشته باشد توهین باید در یک مکان عبادی عمومی صورت گیرد. البته این رفتار مجرمانه در اماکن خصوصی هم قابل پیگرد است، لکن مشروط به اینکه در آن مکان

یک آیین مذهبی در حال اجرا باشد. اصلاحیه سال ۲۰۰۶ در بند ۲ ماده ۴۰۴ این را هم اضافه می‌کند که اگر فردی به صورت عمدی نمادهای مقدس یک دین یا نمادهای مربوط به آیین یک مذهب را تخریب کند، مجازات بزه‌کار تا ۲ سال حبس خواهد بود. البته لازمه این جرم این است که تخریب نماد مقدس باید در عموم صورت گرفته باشد (همان: ۲۸). اصلاحیه سال ۲۰۰۶ ماده ۴۰۵ قانون کیفری را هم تغییر داده است و امروزه جرم‌انگاری ایجاد اختلال در آیین و مراسم‌های مذهبی فقط مربوط به دین رسمی حکومت نیست و این ماده شامل همه ادیان می‌شود؛ علاوه بر این، اگر فردی در آیین مذهبی هر مکتبی به طریق تهدید و خشونت ایجاد اختلال کند، قانون‌گذار برای مجرم از ۱ تا ۳ سال حبس در نظر گرفته است (همان: ۳۹). اضافه بر این ماده ۴۰۲ سابق در باب توهین به دین رسمی حکومت در فضای عمومی و همچنین ماده ۷۲۴ سابق که به لفظی دیگر توهین به دین را جزو جرائم علیه اخلاق عمومی معرفی می‌کرد، کاملاً از میان برداشته شده‌اند (Giovagnoli, 2008: 99).

نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌ها و تحلیل‌های ارائه‌شده، ثابت گردید که تغییر تدریجی نظام سیاسی ایتالیا در قرن بیستم میلادی از رژیم‌های وابسته به یک مذهب رسمی (مسیحیت کاتولیک) به یک سامانه و حکومت ظاهراً بی‌طرف و سکولار تأثیر مستقیم بر موضوع تضمین کیفری آزادی مذهبی مردم داشته است. به بیانی دیگر تجربه نظام حقوقی ایتالیا اثبات می‌نماید که هرچه حکومت وابسته‌تر به یک مکتب دینی خاص باشد، میزان تضمین کیفری آزادی دینی پیروان آن مکتب افزایش پیدا می‌کند؛ و هرچه حکومت بی‌طرف‌تر و غیر متعهدتر نسبت به ادیان موجود در جامعه باشد، امکان تضمین کیفری برابر تمام پیروان ادیان به وجود می‌آید. در سیستمی که در اسناد بالادستی آن (مانند قانون اساسی) دین رسمی یا برتر ترسیم شده باشد، امکان صدور قوانین جزایی تبعیض‌آمیز برای اقلیت‌ها پیرامون موضوع تضمین کیفری آزادی مذهبی افزایش می‌یابد. البته نباید در این زمینه ساده‌انگاری کرد: گذر از حکومت مذهبی به حکومت غیرمذهبی همیشه تضمین‌کننده آزادی‌های عمومی نیست. در تجربه بشری خیلی از

رژیم‌های غیرمذهبی و سکولار آزادی‌های مشروع مردم از جمله آزادی دینی را به شدت محدود کرده‌اند (مانند رژیم‌های مارکسیست در شوروی و شرق اروپا). لذا نمی‌توان تجربه ایتالیا را به همه کشورهای جهان تعمیم داد. علاوه بر این، مشخصات فرهنگی جوامع مختلف هم باید مدنظر قرار گیرند و امکان صدور قاعده‌ای یکسان برای تمام نظام‌ها منطقی نیست. نکته مهم دیگر این است که حداقل در سیستم حکومتی و جزایی ایتالیا، گذر از حکومت با دین رسمی به حکومت بدون دین رسمی به‌طور کلی شدت مجازات درباره تضمین کیفری آزادی دینی و اهانت به ادیان را کاهش داد. اگر در گذشته اهانت به دین رسمی با مجازات حبس همراه می‌شد، امروزه اکثر رفتارهای مجرمانه درباره توهین به مقدسات دیگر شهروندان با جریمه نقدی مجازات می‌شوند. تنها استثنا جرائم مربوط به تخریب نمادهای دینی هستند که همچنان با مجازات حبس روبه‌رو می‌شوند. دلیل این مهم واضح است: قانون‌گذار اعمال مجرمانه را بر نمی‌تابد، خصوصاً اگر این اعمال همراه با خشونت و تهدید باشند (در این مورد مجازات حبس مشدده است)؛ اما درباره جرم توهین به احساسات مذهبی دیگر شهروندان که فقط به طریق بیان و بدون اعمال خشونت صورت گیرند، میزان شکیبایی و بردباری نظام حقوقی افزایش می‌یابد، زیرا در یک حکومت دموکراتیک در کنار آزادی مذهبی امر آزادی بیان هم باید تا حد ممکن رعایت شود و بین این دو حق بنیادین یک توازن منطقی ایجاد گردد.

منابع

۱. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، آزادی مذهبی و لایسیته، مجله حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۸۳.
۲. محمدرضایی، محمد، آزادی و خودمختاری انسان از دیدگاه کانت و نقد و بررسی آن، انسان پژوهی دینی، سال هشتم، شماره ۲۵، ۱۳۹۰.
۳. ناظریان، محمدقاسم؛ رهامی، محسن؛ مرادی، صادق، تحلیل جرم توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران و عربستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی حقوق بشری، فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره یازدهم، شماره ۴۲، ۱۳۹۹.
4. Adamo, Ugo, La tutela penale del sentimento religioso nell'ordinamento costituzionale spagnolo. Profili costituzionalistici, Diritto Penale Contemporaneo, n. 9, 2017.
5. Alesani, Laura, I reati di opinione: una rilettura in chiave costituzionale, Giuffrè, Milano, 2006.
6. Basile, Fabio, A cinque anni dalla riforma dei reati in materia di religione: un commento teorico-pratico degli artt. 403, 404 e 405 c.p. Stato, Chiese e Pluralismo confessionale, n. 42, 2011.
7. Cadoppi, Alberto, Trattato di diritto penale. Parte speciale, Torino, UTE, 2012.
8. Casuscelli, Giuseppe, L'evoluzione della giurisprudenza costituzionale in materia di vilipendio della religione, Osservatorio delle libertà ed istituzioni religiose, n. 97, 2005.
9. Chizzoniti, Antonio, Le certificazioni confessionali nell'ordinamento giuridico italiano, Milano, Vita e Pensiero, 2000.
10. Del Bo, Corrado, Il rapporto tra laicità e neutralità: una questione concettuale? Stato, Chiese e pluralismo confessionale, n. 33, 2014.
11. Delle Donne, Roberto, Studi e ricerche di scienze umane e sociali, Napoli, Federico II Open Access University Press, 2014.
12. Fiorita, Nicola, Loprieno, Donatella, La libertà di manifestazione del pensiero e la libertà religiosa nelle società multiculturali, Firenze, Firenze University Press, 2009.
13. Fonseca, Aloysius, Secolarizzazione ed evangelizzazione in India, La Civiltà Cattolica, Anno 123, n. 2917, 1972.

14. Gavalotti, Enrico, Diritto laico, Raleigh, Lulu Editore, 2014.
15. Gianfreda, Anna, Diritto penale e religione tra modelli nazionali e giurisprudenza di Strasburgo, Milano, Giuffré, ۲۰۱۲ .
16. Giovagnoli, Roberto, Studi di diritto penale: parte speciale, Milano, Giuffré, 2008.
17. Guazzarotti, Andrea, Perché imporre l'incriminazione della bestemmia? (Diritto penale religioso e incompetenza dello Stato in spiritualibus), "Giurisprudenza costituzionale", n. 6, 1995.
18. Howard, Erica, Freedom of Speech versus Freedom of Religion? The Case of Dutch Politician Geert Wilders, Human Rights Law Review, Volume 17, Issue 2, 2017.
19. Ivaldi, Maria Cristina, Scritti di diritto ecclesiastico, Roma, Nuova Cultura, 2012.
20. Lariccia, Sergio, Tutela penale dell'«ex Religione dello Stato» e principi costituzionali, "Giurisprudenza costituzionale", n. 1, 1988.
21. Leotta, Carmelo Domenico, La tutela penalistica della libertà religiosa nell'ordinamento italiano, "Studi giuridici europei", n. 1, 2013.
22. Loprieno, Donatella, La libertà religiosa, Giuffré, Milano, 2009.
23. Malmqvist, Karl, Satire, racist humour and the power of (un)laughter: On the restrained nature of Swedish online racist discourse targeting EU-migrants begging for money, Discourse and Society, Vol. 26, Issue 6, 2015.
24. Messina, Salvatore, Spinnato, Giorgia, Diritto penale. Manuale breve, Milano, Giuffré, 2012.
25. Mormando, Vito, I delitti contro il sentimento religioso e contro la pietà dei defunti, Milano, Giuffré, 2005.
26. Occhiocupo, Nicola, Costituzione e Corte costituzionale. Percorsi di un rapporto genetico dinamico e indissolubile, Milano, Giuffré, 2010.
27. Onida, Valerio, Pedrazza Gorlero, Maurizio, Compendio di diritto costituzionale, Milano, Giuffré, 2011.
28. Tartaglia, Enrico, Compendio di diritto ecclesiastico, Rimini, Maggioli, 2012.
29. Trager Robert, Dickerson, Donna, Freedom of Expression in the 21st Century, Thousand Oaks, Pine Forge Press, 1999.
30. Vitali, Enrico, Chizzoniti, Antonio, Diritto ecclesiastico: manuale

- breve, Milano, Giuffr, 2013.
31. Wongher, Valeria, Disciplina della libertà di espressione e dell'hate speech nell'Unione Europea e negli Stati Uniti d'America: profili a confronto, Tesi di Laurea, Università LUISS Roma, 2015.

The Criminal Protection of Religious Freedom and the Relationship Between Religion and State in the Italian Legal System

gholamrezaabbasiyan¹; alireza jalali²

Received: 2023/04/16 Accepted: 2023/08/10

Abstract

The implementation of principles such as freedom of belief and religious freedom and finally the methods about criminal protection of religious freedom of citizens by legal systems are issues that prove the quality of the relationship between religion and State in different countries. European systems in particular, which have experience about the transition from an official religion to a system in which religion is separate from politics and law, are good models for exploring the criminal protection of religious freedom and the relationship between religion and State in general. Therefore, the study of the Italian system regarding those issues can be an important, interesting and instructive topic. The present study was conducted in terms of data collection by documentary method and study of the rules and the jurisprudence of the Italian legal System and the obtained information was analyzed by descriptively-analytically method. Therefore, the present study has reached the conclusion that the more the government is dependent on a particular religious school, the more the criminal protection of religious freedom of the followers of that school will be effective; And the more neutral and non-aligned the State is, the more criminal protection there will be for all religions. In addition, in a system in which the constitution describes the official religion, the possibility of issuing discriminatory criminal law for minorities on the issue of criminal guarantee of religious freedom increases.

Keywords: Criminal Protection, Religious Freedom, Italy, Criminal Law, Constitutional Court.

¹. Master of criminal law and criminology, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran. Email: gholamreza.abbasiyan72@gmail.com

². Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran; Email: a.jalali@du.ac.ir